

نگاهی گذرا به ویژگی‌های اقتصادی «سرمایه‌داری»

محمدتقی جان‌محمدی

پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

مشخصات کتاب‌شناختی این اثر:

جان‌محمدی، محمدتقی (۱۳۹۲). نگاهی گذرا به ویژگی‌های اقتصادی سرمایه‌داری، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال نخست، جستار شماره ۱. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://jostar.mrsi.ir/Vol.1/jostar01.pdf>

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

<http://www.mrsi.ir>

Email: mrsi@chmail.ir

نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین»، به طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران رویکرد «توسعه تعالی‌بخش» انتشار می‌یابد؛ ولی موضوع عام این نشریه «مسئله توسعه» است؛ و آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با رویکردهای مختلف در موضوع توسعه به نگارش درآمده‌اند نیز در آن منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین» به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.jostar.mrsi.ir>

Email: mobin.jostar@chmail.ir

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

«جستارهای مبین»؛ سال نخست، جستار شماره ۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۳/۲۳

ISSN 2345-2382

نگاهی گذرا به ویژگی‌های اقتصادی «سرمایه‌داری»

محمدتقی جان‌محمدی

این مقاله تلاش می‌کند نشان دهد که «سرمایه‌داری» به حسب کدام یک از ویژگی‌های اقتصادی خود به مثابه «شارح عملی» فکر اقتصاد متعارف درآمده است. مقاله صرفاً در مقام تبیین است و به حوزه نقد وارد نمی‌شود.

کردن آن‌ها هستند، شرح نماییم. تحقق خارجی این انگاره‌ها امروزه جزو آرمان‌ها و ایده‌آل‌های غالب متفکران اقتصادی و اجتماعی جریان غالب است و به لحاظ عینی می‌توان حاکمیت آن‌ها در نحوه عمل و حتی در نحوه نظریه‌پردازی‌ها را مشاهده کرد.

نزد طرفداران سرمایه‌داری، مقبول‌ترین تعریف آن این‌گونه است: سرمایه‌داری نظامی اقتصادی است که در آن مالکیت ابزارهای تولید در دست مالکین خصوصی است و مالکین خصوصی با هدف کسب سود اقدام به تولید و عرضه کالاها و خدمات تولیدی در بازارهای رقابتی می‌کنند. به بیان خلاصه‌تر «سرمایه‌داری

گویاترین مدخلی که «شارح عملی» فکر اقتصاد جریان غالب است، مدخل «سرمایه‌داری» است. سرمایه‌داری به نظامی اطلاق می‌شود که علاوه بر ابتدای بر چندین اصل اقتصادی، حامل اصول و ارزش‌های اخلاقی مشخصی است که هر یک بر بنیان فلسفی خاص بنا شده است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: طبیعت‌گرایی، اصالت‌فایده، فردگرایی، پی‌جویی نفع شخصی، لذت‌گرایی و تجربه‌گرایی. شرح این بنیادها مجال مستقلی می‌طلبد؛ ما در اینجا بنا داریم از طریق تعریف و بیان اصول حاکم بر نظام سرمایه‌داری، اجمالاً برخی از عقاید اقتصادی اقتصاددانان را، که در صحنه عمل در پی حاکم



را برای تحقق کارایی (به معنای مذکور) جزم خواهند کرد؛ حال آنکه مالکیت عمومی و دولتی چنین انگیزه‌هایی را به نحو نامناسبی دچار انحراف می‌کند. ضمناً به دلیل آنکه در مالکیت‌های عمومی و دولتی افراد تصمیم‌گیر خود مالک نیستند، لذا طبعاً تلاش خواهند کرد منافع را به سمت منافع شخصی خود سوق دهند؛ این جهت‌دهی در واقع نوعی سوءاستفاده از اموال عمومی است، ولی سرشت نفع‌طلب آدمی دیر یا زود آن را به بار خواهد آورد. این نوع نفع‌طلبی به دلیل تعلق نداشتن مالکیت به افراد عامل، دیگر در جهت کارایی تولید نیست بلکه عموماً خود را به شکل فسادهایی نظیر بهره‌برداری غیرمجاز، ارتشا، اختلاس و نظائر آن نشان می‌دهد؛ در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کارکنان بخش‌های عمومی و دولتی (اعم از مدیران) به دلیل آنکه مضرات ناشی از «بدکاری» مستقیماً متوجه شخص ایشان نیست، به طفره رفتن از کار، کم‌کاری، اهمال و تنبلی روی خواهند آورد. بنابراین طبق اصل حداکثر کردن منافع اجتماعی از طریق حداکثر کردن منافع شخصی و نیز اصل کارایی تخصیص منابع، لازم است مالکیت ابزار تولید و همه فرآیندهای اقتصادی در دست مالکان خصوصی باشد. نقش دولت و

عبارت است از تولید برای بازار به وسیله اشخاص و یا بنگاه‌های خصوصی با هدف سودآوری»^۱.

سرمایه‌داری به معنایی که در اینجا تشریح می‌شود، نظام ایده‌آل و آرمانی اقتصاددانان است و تقریباً همه نظریات اقتصادی جریان غالب در راستای تحقق آن شکل گرفته است. عموماً تجویزها و توصیه‌های سیاستی اقتصاددانان برای کاربرد نیز در راستای تحقق هر چه بهتر وجوه اقتصادی نظام سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری دارای مؤلفه‌هایی است که محوری‌ترین آن‌ها در تعریف فوق‌الذکر مندرج است و برخی دیگر نیز با واسطه به این اصول بازمی‌گردند. در ادامه به تبیین مختصر این موارد خواهیم پرداخت.

مالکیت خصوصی:

اقتصاددانان بر این باورند که «مالکیت خصوصی» منجر به تحقق کارایی در تولید و تخصیص منابع است. ایشان کارایی را آن وضعیتی می‌دانند که در آن بیش‌ترین میزان تولید از کمترین میزان منابع و هزینه حاصل آید و سود تولیدکننده را به حداکثر ممکن برساند. از آنجا که طبع و سرشت انسان‌ها به دنبال نفع شخصی بیشتر است لذا اگر مالکیت ابزارهای تولیدی در دست اشخاص و مالکان خصوصی باشد عزم خود

۱. در برخی بیان‌های دیگر تفاوت‌های جزئی وجود دارد که از بیان آن‌ها صرف‌نظر می‌شود. ضمناً باید توجه داشت که تمرکز ما در اینجا عمدتاً بر وجوه اقتصادی سرمایه‌داری است که اقتصاددانان بر آن تأکید دارند. ممکن است برخی تعریف و بیان دیگری از ارزش‌های غیراقتصادی سرمایه‌داری ارائه دهند و آن‌ها را از حوزه بحث اقتصاددانان جریان غالب خارج بدانند.



وجود نداشته باشد اساساً تولید به شکل مدرن آن شکل نمی‌گیرد. در فقدان سرمایه انباشت شده، تنها تولید سنتی و بدوی ممکن خواهد بود. مطابق این تفکر، وجود سرمایه‌دار برای

پویایی و رشد جامعه ضروری است. سرمایه‌دار قهرمان نظام سرمایه‌داری است و سایرین در ظل او از مواهب اقتصادی و رفاهی بهره‌مندند. در این نگرش ارزش کار و نیروی انسانی اصیل نیست بلکه کار به مثابه هزینه است. کار در تفکر سرمایه‌داری چیزی است که سرمایه‌دار بابت استفاده از آن در جهت تولید کالاها و خدمات، هزینه‌ای را به نام دستمزد پرداخت می‌کند. زمین و سایر منابع اولیه تولید نیز به همین شکل هزینه‌هایی هستند که سرمایه‌دار بابت آنها اجاره و یا هزینه‌ای پرداخت می‌کند (یعنی کار نیروی انسانی «هم‌ارز» مواد اولیه دیده می‌شود).

بازار آزاد:

همه اقدامات فعالین اقتصادی (اعم از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان) و همه فرآیندهای اقتصادی در فضای بازار شکل می‌گیرد. بازار لزوماً معنای مکانی ندارد؛ بازار فضایی واقعی و یا اسمی و یا مجازی است که خریداران و فروشندگان در آن به مبادله کالاها و خدمات می‌پردازند.

اقتصاددانان معتقدند که بهترین شیوه مواجهه و عمل در بازارها این است که فعالین

نهادهای عمومی در این میان تنها نقش نظارتی و ارشادی است.^۲

اصالت سرمایه:

اقتصاددانان عموماً سه عامل مؤثر و مورد نیاز برای تولید را سرمایه، کار و تکنولوژی می‌دانند. سایر عوامل تولید یا اهمیت محوری ندارند و یا به صورت باواسطه به این سه بازمی‌گردند. حتی در دهه‌های پیشین که رشد تکنولوژی به شدت امروز نبود تکنولوژی نیز بیشتر ذیل سرمایه فهمیده می‌شد و گاهی نیز معنای ابتکار و مهارت نیروی کار را می‌رساند؛ ولی امروزه به دلیل اهمیت فراوانش عاملی مستقل به شمار می‌آید که البته بدون سرمایه قابل تحقق و کسب نیست.

اقتصاددانان معتقدند که برای تحقق تولید کارا نیاز به «انباشت سرمایه» است. عموماً تصور بر این است که «کار» کالایی است که می‌باید به خدمت «سرمایه» درآید و لذا عاملی تابع سرمایه است. ضمن اینکه به صورت تلویحی کار را کالایی فراوان‌تر و سرمایه را نایاب‌تر می‌پندارند. بر این اساس، تفکر اقتصاددانان از روند شکل‌گیری و تحقق تولید در دنیای مدرن این است که سرمایه زمانی که به میزان مناسب و مقبولی انباشته شد، آنگاه با استخدام سایر عوامل اقدام به تولید اقتصادی می‌کند. بنابراین سرمایه عامل اصلی و راهبر تولید است و اگر

۲. و در بیانی متعادل‌تر پرداختن به کارهایی که بخش خصوصی به دلیل عدم وجود منفعت خصوصی مشخص به آن نمی‌پردازد ولی جامعه به آن نیاز دارد (مثل خدمات عام‌المنفعه).



سودآوری:

همانطور که گفته شد در نظام سرمایه‌داری و نظریات اقتصادی هدف تولیدکنندگان تولید مقدار بیشتر با قید حداکثر کردن سود است؛ یعنی مقدار تولید تابعی است از حداکثر میزان سود ممکن. بر طبق این دیدگاه تولیدکنندگان، برای حداکثر کردن سود خود تولید می‌کنند؛ و باید هم چنین کنند. زیرا اگر چنین نکنند دیگر نظام قیمت‌ها و بازار صحت انتقال اطلاعات به سایر عوامل را تضمین نخواهد کرد و لذا کارایی از بین خواهد رفت.

هدف کسب حداکثر سود برای تولیدکننده امری غیراخلاقی نیست چرا که توفیق و منفعت جامعه در آن است که تولیدکننده به دنبال حداکثر کردن سود خود باشد. بنابراین تولیدکننده با کسب منافع و حداکثر سود خود در واقع به جامعه و رفاه عموم مردم کمک می‌کند. اگر مانعی در بازار وجود نداشته باشد و بازار آزاد تحقق داشته باشد آنگاه میزان خرید مردم، هزینه‌های تولید و موقعیت سایر رقبا به تولیدکننده خواهد گفت که چه میزان تولید کند تا بیشترین سود را کسب کند. از سوی دیگر وفور کالاهای مشابه که توسط رقبا تولید می‌شود به خریدار قدرت انتخاب می‌دهد، لذا تولیدکننده در صدد جلب رضایت و توجه خریدار برآمده و تلاش می‌کند قیمت را کاهش و کیفیت را ارتقاء دهد؛ و این منجر به پدیده مطلوب «رقابت» میان تولیدکنندگان رقیب و متعدد می‌شود. در این فضا مصرف‌کنندگان نیز به دنبال نفع خود هستند یعنی خرید بهترین کالا و

اقتصادی و روندهای موجود در بازار هیچ مانع غیربازاری نداشته باشند. اگر فعالین و روندهای اقتصادی بتوانند با آزادی کامل عمل کنند (با فرض وجود برخی شرایط مانند اطلاعات شفاف) آنگاه بازار به واسطه سازوکار درونی خود به تعادل خواهد رسید؛ اقتصاددانان از این سازوکار تعادل‌بخش با استعاره «دست نامرئی» یاد می‌کنند که همه چیز را در حالت بهینه قرار می‌دهد. زمانی که همه عاملین اقتصادی با آزادی اقدام به خرید و فروش کالاها و خدمات کنند، تعامل آزادانه ایشان تحت تأثیر مقدار، قیمت و کیفیت کالاها به گونه‌ای شکل خواهد گرفت که در بلندمدت میزان عرضه کالاها در بیشترین حد ممکن، قیمت کالاها در پایین‌ترین حد و کیفیت کالاها نیز در بهترین وضع قرار می‌گیرد. در این شرایط تولیدکنندگان و خریداران با تحلیل وضع بازار (به ویژه از طریق قیمت‌ها) و تطبیق وضع خود با آن، در خواهند یافت که چگونه و با چه کیفیتی باید تولید و یا خرید کنند. این شیوه علاوه بر اینکه حداکثر منافع شخصی را پوشش خواهد داد بلکه به تبع حداکثر منفعت اجتماعی را نیز در پی دارد.

شعار اقتصاددانان تحقق بازار آزاد است بدون اینکه موانع غیربازاری از طریق عوامل غیربازاری نظیر دولت در آن دخالت کند. هر گونه دخالت و مانع غیربازاری منجر به دست‌کاری قیمت‌ها و مقادیر شده و لذا انتقال اطلاعات صحیح از طریق قیمت‌ها به عوامل را مختل و لذا کارایی را از بین خواهد برد.



برخی تولیدکنندگان از دور خارج شده و لذا به تدریج قیمت‌ها افزایش یافته و کارایی از بین خواهد رفت. در واقع با این توجیه، مصرف به ارزشی بنیادین برای بقا و رشد جامعه تبدیل می‌شود و ارزش‌هایی نظیر قناعت و استفاده بهینه از کالاها فاقد ارزش جلوه داده می‌شوند. این نگرش به ویژه در دهه‌های اخیر خسارت‌های فراوانی به بار آورده است که مهم‌ترین آن در تخریب طبیعت و بحران محیط‌زیست جلوه‌گر است.

کیفیت با کمترین قیمت. این فضا همه چیز را در بهترین حالت ممکن به تعادل می‌رساند. اهمیت این سازوکار در سرمایه‌داری به حدی است که عموماً (و البته نه دقیقاً) سرمایه‌داری را با نظام بازار آزاد معادل می‌دانند.

مصرف‌گرایی:

پایداری چنین نظامی بی‌شک به آن است که همواره خریداری برای کالای تولیدشده وجود داشته باشد. نظام سرمایه‌داری با توجه به اینکه سازوکار خود را مبتنی بر عرضه و خرید تعریف کرده است (و نه نیاز و رفع نیاز) لذا متکی به وجود خریدار است (و نه کسی که به آن کالا نیازمند است تا نیاز خود را رفع کند). بنابراین نظام سرمایه‌داری تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا خریداران تبدیل به بازیگران دائمی صحنه بازار شوند. در این معنا رشد اقتصادی منوط به مصرف بیشتر و بیشتر است.^۳ برای تحقق مصرف بیشتر، شیوه‌های مختلفی وجود دارد که عملاً توسط تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان به کار گرفته می‌شوند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: عرضه کالاهای مشابه با قابلیت‌های جانبی مختلف، عدم پشتیبانی و تعمیر تولیدات قدیمی، فقدان کالاهای یدکی و مهم‌تر از این‌ها ایجاد نیازهای کاذب از طریق تبلیغات و

نظام سرمایه‌داری حتی مدعی است اگر مصرف بیشتر وجود نداشته باشد به تدریج

۳. شاید بهتر باشد بگوییم منوط به خرید بیشتر و بیشتر؛ زیرا ملاک مصرف واقعی نیست بلکه خرید است.